

#### زبان مادری

### بنجره‌ای روبه زبان‌های دیگر

**ساناز فلاح‌فرد**

● ازین‌بردن پیشینه و تاریخ هر ملتی یعنی نابودی فرهنگ آن ملت و فرهنگ ملتی نابود نمی‌شود مگر اینکه زبان مادری آن مردم فراموش شود. در همین خصوص یک ضرب‌المثل فرانسوی هست که می‌گوید: کسی که زبان مادری‌اش را نمی‌داند و یاد نگرفته باشد، وحشی است. انسانی که زبان مادری‌اش را نداند مثل گیاه خودرو و وحشی است که هیچ‌گونه هدف و غایت درست و دقیقی را دنبال نمی‌کند. زبان پدیده‌ای اجتماعی است و با رشد جامعه به سوی تکامل متحول می‌شود و جزو پدیده‌هایی است که با انسان می‌ماند و با انسان از بین می‌رود. زبان‌ها گنجینه‌های معنویت و داسانیت هستند و نه تنها بی‌توجهی به زبان ظلم به سخنگوینان آن زبان است، بلکه درکل دشمنی با معنویت و فرهنگ بشری است. دشمنی با یک زبان یا سعی در نابودکردن آن چه عمدی و چه از روی اشتباه و ندانم‌کاری، زبان‌کشی محسوب می‌شود و زبان‌کشی یکی از ابزارهای ملت و قوم‌کشی یا به عبارتی فرهنگ‌زدایی از مردم به شمار می‌رود و نابودکردن آن در حقیقت تلاش برای ازبین‌بردن نشانه‌های حقیقی خداوندی و عصیان در مقابل اراده خداوند است. زبان بلندترین پرچی است که بر قله فرهنگ هر ملتی استوار است و نماد هویت هر قوم و تباری محسوب می‌شود. خانم «سلویا وارنر»، شاعر و داستان‌نویس انگلیسی در این خصوص می‌نویسد: «ملتی که ققنوس خود را آتش می‌زند خود را می‌سوزاند» و این ققنوس چیزی نیست مگر فرهنگ و هویت که بارزترین جلوه آن زبان است، نادیدن هویت یعنی نابودی خود. آنچه کمتر به آن توجه می‌شود زبان مادری است که گاهی اوقات مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. به راستی زبان مادری چیست؟ و با زبان ملی چه تفاوت‌هایی دارد؟ چرا باید به آن توجه کرد؟ در تعاریف به نخستین زبان یا زبان‌هایی گفته می‌شود که کودک سخن‌گفتن به آن را یاد می‌گیرد یا آن را پیش از سن بحرانی می‌آموزد یا می‌توان گفت زبانی که فرد توانایی اندیشیدن و سخن‌گفتن همانند دیگر سخن‌گوینان آن زبان را داشته باشد. زبان نخست زبان شخصی است که معمولا از کودکی آن را آموخته و به بهترین وجه ممکن صحبت می‌کند و اغلب معنایی برای همسانی جامعه‌شناسی زبان است. زبان مادری، زبان طبیعی است که شخص از مادرش فرا میگیرد زبانی که با آن لالایی مادرش را شنیده و با آن شیر خورده، با آن گریسته و خوابیده و آرنشیده گرفته است. تمام فعالیت‌های ذهن انسان از زبان سرچشمه میگیرد و بر پایه آن قرار دارد. عده‌ای دیگر معتقدند زبان مادری یک اصطلاح است و الزاما به معنی زبانی که مادر انسان با آن سخن می‌گوید نیست. در بعضی از کشورها، اصطلاح زبان مادری بیشتر به زبان قومی یک فرد اشاره می‌کند تا زبان اول او. در برابر زبان نخست، زبان دوم زبانی است که هر فردی متفاوت با زبان نخستش صحبت می‌کند.

بی‌شک برای حفظ، اصالت، پویایی و تقویت زبان مادری، مادران نقش اساسی و اصلی را عهده‌دار هستند. زبان‌شناسان بر این باورند مادرانی که دایره لغات و گرامر و ساختار زبانی محدودی دارند یا مادرانی که با اطفال خود کمتر تکلم و صحبت می‌کنند بر ساختار و شکلگیری زبان فرزندانشان تأثیر مستقیم دارند. مادران باید بیش از همه افراد از اهمیت زبان مادری باخبر باشند. چون اطفال در مرحله اول، از طریق زبان و نغمه‌های مادری با دنیای خارج ارتباط می‌یابند. ایران کشوری است که در آن قومیت‌ها با زبان‌های متنوع و فرهنگ‌های خاص خودشان وجود دارند و همین تنوع فرهنگی یک ویژگی خاص و پیر از ظرفیت‌های مطلوب برای این کشور است. زبان مادری ابزار مناسب‌تری برای انتقال مقوله‌های فرهنگی است. کودکی که از فرهنگ و تاریخش ناگانه باشد به هر جای جهان باشد، در وطن یا در محل دیگر با اعتمادبهنف زندگی نخواهد کرد. هر کسی با زبان و فرهنگش رشد کرده و احساس سرفرازی می‌کند. آشنایی با زبان مادری انسان را نامیرا می‌کند. عمر زبان‌ها بلندتر از عمر انسان‌هاست. مردم دنیا از هر تیره و قبیله‌ای که باشند و به هر چند زبانی که سخن بگویند، زبان مادری برای آنان در درجه نخست اهمیت قرار دارد. کسانی که نمی‌توانند به زبان مادری صحبت کنند، بنویسند و ابراز عقیده کنند، همیشه در حسرت بهره‌جستن از زبان مادری هستند. وقتی شخص به زبان مادری‌اش سخن می‌گوید ارتباط مستقیمی بین دل، مغز و زبان او برقرار می‌شود. سخن‌گفتن به زبان مادری به شخص جرئت می‌بخشد. مردم به آن مقدار که از بی‌سوادی می‌ترسند، از سخن‌گفتن به زبان دیگر هم می‌ترسند. اگرچه آموختن زبانی دیگر مانند پنجره جدیدی برای نگرستن و معنادان به زندگی است، ولی در قیاس با زبانی دیگر، زبان مادری خود پنجره است. مانند‌لا می‌گوید: «اگر با شخصی به زبانی سخن بگویی که بفهمد، آن سخن به ذهن او نمی‌نشیند. اگر با او به زبان خودش سخن بگویی، آن سخن به دلش می‌نشیند» از این روست که هر کس در هر جایی که هست می‌کوشد هم‌زبان‌ش را پیدا کند. کسانی که با توسل به سخن حضرت مولانا، ادعا می‌کنند همدلی از هم‌زبانی بهتر است، بیراه و گزافه نمی‌گویند. توانایی صحبت‌کردن به زبانی دیگر مدیون زبان مادری است. کودکی که با ظرافت‌های زبان مادری خود آشنا باشد، با مهارت‌های فراشناختی بالاتری برای یافتن راهی برای آموختن زبان دیگری می‌کوشد. اگر یادگیرنده‌ای در زبان اول توانا باشد برای یادگیری زبان دوم از آموخته‌های زبان اول بهره خواهد جست.

# روزنامه شتر

**چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸ = ۱۷ صفر ۱۴۴۱ = ۱۶ اکتبر ۲۰۱۹ = سال هفدهم = شماره ۳۵۱ = ۱۶ صفحه**  
**اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ = اذان مغرب ۱۷:۴۶ = اذان صبح فردا ۴:۴۸ = طلوع آفتاب ۶:۱۲**

### روزنامه‌فردا

#### کارتون خواب

**اوتو آنتون ریزنگر**



#### روزها

## فعالان بی‌دستمزد

۲۵ درصد زنان جهان در روستاها زندگی می‌کنند و بنابراین اگر روزی برای زنان شاغل روستایی در جهان در نظر گرفته شود، اتفاق غریبی نیست. ۲۳ مهر روز جهانی زنان روستایی است و هدف از این روز که از سال ۲۰۰۸ در جهان نام‌گذاری شده، توجه به نقش و مشارکت زنان روستایی در توسعه، بهبود امنیت غذایی و ریشه‌کنی فقر روستایی است. قرار است در گوشه و کنار جهان محیطی پویا برای بهبود وضعیت زنان شکل بگیرد به نیازها، اولویت‌ها و مشارکت آنها توجه شود. توانمندسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان روستایی انجام شود و از آنان حمایت و با آنها مشورت شود. برای زنان معلول روستایی حمایت‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شود. دیدگاه‌ها و افکار آنان اجرایی شود و برای برآورده‌کردن نیازهای اساسی زنان روستایی سرمایه‌گذاری انجام شود. حقوق زنان مسن، دسترسی برابر آنها به خدمات و منابع توسعه برنامه‌های کمکی ویژه و خدمات مشاوره‌ای برای ارتقای مهارت‌های اقتصادی و انجام اقداماتی برای اطمینان از پرداخت کار پنهان زنان و همکاری آنان در تولیدات مزروعای و غیرمزرع‌ای از دیگر اهدافی است که قرار است در جهان موردتوجه قرار گیرد. در ایران حدود ۱۱ میلیون زن روستایی زندگی می‌کنند که تقریبا ۳۰ درصد جمعیت زنان را تشکیل می‌دهند. زنان

#### عجایب و غرایب

#### سیاست‌مدار بدرفتار

از زمانی که ترامپ بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه داده، به نظر می‌آید نحوه رفتار سیاست‌مداران و رهبران جهان تغییر کرده است. در این مدت بارها رفتارها و گفتارهایی از رئیس‌جمهورها ونخست‌وزیران جهان سر زده است که می‌تواند الگوی بد رفتاری برای مردم و کودکان باشد.ترامپ تاجر معلم بسیار خوبی برای اتفاق‌هایی است که همچون ویروس در حال گسترش است. او در سخنرانی چندی پیش خود به جو بایدن کلماتی را گفت که رسانه‌ها نتوانستند نمونه مذبذبانه‌ای برایش پیدا کنند و از همه بدتر اینکه این نحوه سخن‌گفتن از سوی شنوندگان و رای‌دهندگان حامی او با استقبال روبه‌رو می‌شود. فیلمی که از او در یکی از نشست‌های انتخاباتی منتشر شده است، وی را در حال کشتن هیلاری کلینتون و چند نفر دیگر نشان می‌دهد. اما یکی از عجیب‌ترین رفتارها از رئیس‌جمهور برزیل و وزیرانش در مسخره‌کردن نخست‌وزیر فرانسه و توهین‌های جنسیتی به همسرش برزیت سر زده، رفتاری که توانست بسیاری را در جهان بهت‌زده کند. این روند رفتارهای عجیب ادامه دارد؛ مثلا دهن‌کجی جرمی

#### تحلیل

## تاب‌آمدن آمدنیوزی دیگر، کاری باید کرد

کندکردن قلم روزنامه‌نگار داخلی و گرفتن دل و جرئت از او به لطایف‌الحیل، سبب‌ساز شیوع اخبار جعلی در کانال‌های خبری شده است. افول رسانه‌های جریان اصلی، باعث برآمدن رسانه‌هایی شده که با اغراض مختلف، رغبتی به رعایت اصول حرفه‌ای و آرمان‌های روزنامه‌نگاری مثل صحت، دقت، انصاف، اطمینان و نظایر آن ندارند. به همین سبب، تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران، تحت تأثیر مستقیم اخبار انتشاریافته در فضای مجازی قرار گرفته و اخبار بی‌اعتبار، حکمرانی و نظم اجتماعی را با چالش‌هایی متعدد روبه‌رو کرده است. نظام انتشار رسانه در ایران، هنوز از روش منسوخ‌شده «کسب مجوز پیش از انتشار» استفاده می‌کند و این امر در فضای کنونی رسانه، قابل درک نیست. همچنین بخشی از گرایش مردم به اخبار جعلی و منفی رسانه‌های خارج از حاکمیت، مربوط به محدودیت‌های سخت‌گیرانه رسانه‌های مجوزدار داخلی است. سیاست رسانه‌ای در کشور، به‌ویژه نحوه فعالیت خبری سازمان صداوسیما و محدودیت‌های رسانه‌های بزرگ و رسمی، به نحوی است که مردم برای شنیدن اخبار دروغ، آمادگی خوبی دارند.

ولع مخاطب ایرانی برای اخبار غالبا دروغ آمدنوز، حاصل سال‌ها بی‌توجهی به رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در داخل است. در تاریخ رسانه‌های کشور سابقه نداشته است چنین مخاطب به دنبال یک رسانه باشد. در زمستان پرالتهاب ۱۳۹۶، کانال آمدنوز به جهت آموزش ساخت کوکتل مولونف، از طرف تلگرام مسدود شد. زم و دوستانش کانال دیگری گشودند و در مدت بسیار کوتاهی، نزدیک یک میلیون مخاطب در این کانال جدید عضو شدند. شاید چنین رکوردی در تاریخ رسانه جهان دیده نشده است. فیلترینگ تلگرام هم تأثیر چندانی بر کاهش مخاطب آن نگذاشت و یکه‌تازی می‌کرد. سرعت ریزش مخاطبان بعد از اطلاعیه اخیر سپاه در آمدنوز هم جالب است. آیا این مخاطبان به رسانه‌های جریان اصلی رجوع خواهند کرد؟ شوربختانه باید گفت تا وضعیت رسانه در داخل چنین است، آنها منتظر آمدنوز دیگری خواهند بود. راه چاره آن است که کار را به گردان بسپارند. باید یک تصمیم کلان درباره رسانه گرفته شود. جایگاه روزنامه‌نگاران مستقل و حرفه‌ای در ساختار حاکمیت سیاسی، محترم شمرده شود و دولتمردان، زبان سرخ آنها را به مثابه زبان واقعی ملت، تحمل کنند. رسانه، رکن چهارم دموکراسی باشد و در کنار و هم‌سنگ سه رکن دیگر، به دور از بله‌قربان‌گویی و تملق و چاپلوسی، بتواند فعالیت حرفه‌ای کند. آنگاه سرعت شیوع فساد در کشور، به‌سرعت کند می‌شود، چراکه رسانه آزاد، ضدفساد است. امید و نشاط مردم افزون می‌شود، چراکه رسانه آزاد، امیدآفرین است. کاش روزنامه‌نگاران از بند محدودیت و سخت‌گیری رها شوند و با صلابت و شهامت و جسارت، به نقد دلسوزانه ارباب قدرت بپردازند و زبان ملت باشند. امروز روح‌الله زم، سبمل زیست در نابوری مخاطب به رسانه داخلی است، نگذاریم آمدنوزی دیگر سر بر آورد و با فریب و دغل‌کاری، مردمان این سرزمین اهورایی را به بیراهه ببرد.

#### زنان

تنها ۵٫۹ درصد زنان به‌عنوان خلبان حضور دارند. در کنگره امسال یکی از زنان خلبان چنین گفت: «پرواز اتفاقی بسیار باورنکردنی است و نباید فقط به یک جنس یا یک قومیت محدود شود». ما این چالش را می‌بینیم و بله، این صنعت عمدتا تحت سلطه مردان بوده است، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که زنان نتوانند این کار را انجام دهند». یکی از مسئولان صنعت هوایی آمریکا نیز به بحران کمبود خلبان در سال‌های آینده اشاره کرد و گفت: «نیروی هوایی باید در درازمدت فکر کند تا بروز مشکلات مشابه در آینده جلوگیری کند. ما در حال تاشی برای الهام‌بخشیدن به نسل بعدی هواییمای دریایی هستیم». یکی از فعالیت‌های آمریکا برای علاقه‌مندکردن زنان به حضور در صنعت هواییما، ایجاد بورس برای آنان است. هرچند در یک نظرسنجی ۶۰ درصد زنان بورس‌گرفته علاقه‌مند به خلبانی هواییماهای جنگی هستند. همه این نکته‌ها و نگرانی‌هایی که مربوط به همین روزهاست و این آمار نشان می‌دهد خلبانان زن ایرانی چه گام بزرگی برداشته‌اند؛ زنانی که توانسته‌اند از دیوارهای بر ساخته و رسوب‌کرده اجتماعی عبور کنند.



خطوط هواییمایی محدود است، اما از سال ۱۹۲۲ که برای اولین‌بار امیلی ارهانت بر فراز اقیانوس به تنهایی پرواز کرد تاکنون تعداد زیادی خلبان زن فعالیت خود را در جهان آغاز کرده و ادامه داده‌اند، اما در کنگره امسال زنان خلبان جهان در آمریکا اعلام شد تنها حدود شش درصد خلبانان جهان زن هستند و البته در برخی خطوط این به ۱۰ درصد هم می‌رسد. خلبان زن آمریکایی ۷۰۴ درصد و در خطوط هوایی انگلیس

#### خیابان

### فراز از مهلکه



**هادی مرزبان**

● بیشترین چیزی که این روزها در خیابان‌های تهران جلب توجه می‌کند، رعایت‌نکردن حق تقدم دوستان راننده نسبت به همدیگر است و همه می‌خواهند خودشان را از مهلکه دریابورند. ۱. نمی‌خواهم بی‌ادبی کنم اما من هادی مرزبان حتی در زمانی که می‌دانم اگر مسیر را ادامه بدهم، راه بسته می‌شود و این کار را می‌کنم و فکر نکرده می‌روم؛ من انسانم و باید این عقل را داشته باشم که اگر وسط چهارراه برسم و ماشین دیگری هم برسد راه بسته می‌شود. گاهی می‌گویم: در جاهای دیگر جهان کسی که این کار را بکند، جرم سنگینی مرتکب شده و باید جریمه سنگین هم بپردازد؛ چون می‌گویند باید تشخیص می‌داد و نباید می‌آمد و حالا باید جریمه شود! گاهی خدوم وقتی به دیگران اجازه عبور از چهارراه را می‌دهم اما می‌بینم خیلی باید علاف بشوم چون دیگران فکر نمی‌کنند حالا نوبت به من هم رسیده و خانمم به شوخی می‌گوید: تا تو باشی حق دیگران را رعایت کنی! ۲. رعایت‌نکردن ادب هم یکی دیگر از مواردی است که در خیابان‌ها بیشتر دیده می‌شود. با کوچک‌ترین برخوردی یکی از آنها که قلدرتر است از ماشین پیاده می‌شود و بی‌آنکه ملاحتمه افراد مسن‌تر و خانم‌ها را بکند هر چه ناسازاست به زبان می‌آورد. برای خودم از این نوع تصادف‌ها پیش آمده اما خوشبختانه ناسازی به من نگفته‌اند. یک‌بار راننده‌ای در زمان تصادف پیاده شد و من هم گفتم هر چه بگویند همان می‌شود. بعد کناری ایستادیم و او از من فندک خواست و من هم فندک ماشینم خراب شده بود، اما برایش فندک آوردم و سیکارش را کشید و شروع کردیم به کپ‌زدن و همین تصادف باعث شد که در این هشت سال همچنان با هم دوستی کنیم. ۳. فکر می‌کنم پلیس چاره‌ای جز این ندارد که پیش از دادن گواهیمانه به رانندگان موتور و سواری- فرقی نمی‌کند- هر راننده‌ای را مورد تست روان‌شناسی قرار دهد که قبل از اینکه طرف پشت فرمان بنشیند حتما از سلامت روان برخوردار باشد که با ناسزا و دعوا و مرافعه و قلدری در خیابان‌ها رعب و وحشت ایجاد نکند. به هر حال هر کسی باید فرهنگ استفاده از خودرو و موتورسکلت را داشته باشد و بتواند خود را در برابر هر نوع اتفاقی مهار کند و بی‌گدار اعصاب برهم‌ریخته‌اش را تبدیل به جار و جنجال و ناسازاگویی نکند. چندی پیش به یک پلیس که از فرماندهان راهنمایی‌وراندگی هم هست گفتم: شما برای موتورسوارها کاری نکرده‌اید. پس چه بهتر که برایشان جاده‌های مخصوص درست کنید. ۴. فرهنگ‌سازی برای پیشگیری از این بلبشو‌ها نیاز است. تصورم این است وقتی من نوعی به قانون تمکین نمی‌کنم و در بعضی مسائل ادب را رعایت نمی‌کنم، یک مدتی شده، حتی به‌زور به من القا بشود و حالمی‌ا بکنند که استحقاق رانندگی را ندارم. یک‌بار در تلویزیون می‌دیدم که سردار راهنمایی‌وراندگی دارد التماس می‌کند که تو را به‌خدا بسفت ناجور نگیرید و در آن روز تعطیلاتی بود و مردم بیشتر به خارج از شهر می‌رفتند. آیا یک سردار می‌تواند از زده‌ها خواهش کند که زدی نکنند؟ آنها دزدند و زدی می‌کنند، کسی که در راهنمایی‌وراندگی خلاف می‌کند چون به قانون تمکین نمی‌کند پس چه فرقی با دزد دارد؟ و باید مثل همان دزد با او برخورد بشود. اگر برخورد شدید در راهنمایی‌وراندگی بشود، حتما تأثیربردار است. من در ولنجک زندگی می‌کنم و در اینجا خیابان‌های یک‌طرفه و ورود ممنوع زیادی هست که برخی از رانندگان از آنها عبور می‌کنند و انگارنه‌انگار خلاف می‌کنند. طرف سوار بورشه است و ورود ممنوع آمده و اگر من هم اعتراض کنم مسرم داد می‌کشد که به تو چه؟! یعنی طوری رفتار می‌کند که انکار من خلاف کرده‌ام. بافرهنگ‌بودن ربطی به ثروت و سواد ندارد و در اینجا که ظاهر امر باید همه بافرهنگ و قانون‌مدار باشند؛ برخی هستند که بیشتر از این‌ها در راهنمای‌وراندگی خلاف می‌کنند چون خود را برتر می‌دانند! درحالی‌که قانون، قانون است و برای همه یکی؛ بنابراین فرهنگ‌سازی برای کل جامعه ضرورت دارد تا هر امر بهنجاری به فرهنگ درست تبدیل شود و ما کمتر شاهد گرفتاری‌های ناشی از بی‌فرهنگی و رعایت‌نکردن قوانین و ادب در سطح جامعه باشیم. ۵. یک‌بار در اطراف تاترشهر دنبال جای پارک می‌گشتم که علاوه بر من و خانمم یکی از دوستان هم همراهان بود و وقتی به یک مسیر ممنوع رسیدم، او گفت که برو از آنجا رد شو. اما من واقعا شرمنده شدم از خودم که چرا باید قانون را زیر پا بگذارم و اگر مردم متوجه گریز من از قانون نبشوند، من باید چه کار کنم که چنین رفتار خلاف قانونی را از من نوعی ببینند. من که شرمندهام از قانون‌گریزی و امیدوارم دیگران هم با سخت‌گیری‌ها، به قانون‌مداری عادت کنند و به‌تدریج خودشان از رعایت‌نکردن آن احساس شرم کنند. ۶. همه باید بدانیم که دوره عریده‌دشی‌ها، لات‌بازی‌ها و فحش‌های ناجوردارن در کل ایران سرآمده است و در این روزگار قانون بر رفتارهای همگان حاکم است و در خیابان هم این قوانین حاکم هستند و نمی‌شود از آنها تخطی کرد. اینکه در جایی تصادف بشود و یکی که قلدرتر است بیرون بیاید و به آدم لاغر و مردنی مثل من ناسزا بگوید؛ نمی‌شود برای هر چیزی قلدربازی را درآور، همه باید پیرو قانون باشند که در برابر این تصادف‌ها و اتفاقات بهترین حکم را جاری کند!